

آراییشی و آواستگی از دیدگاه اسلام

حجة الاسلام و المسلمین احمد طاهری نیا
از اساتید حوزه و دانشگاه

مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آرایش و آراستگی از دیدگاه اسلام

تبیین واژه‌ها

آرایش و آراستگی، به معنای زیبایی، جمال و جلوه است. آراستن، مصدر از همین ماده، به معنای آرایش کردن، مزین کردن، تحسین کردن و زیور کردن است. هم چنین به معنای منظم کردن و مرتب کردن و به معنای مهیا کردن و آماده کردن نیز آمده است^۱ که با معنای اول هماهنگ و مرتبط است؛ زیرا ایجاد نظم و ترتیب در اشیاء و چینش خاص بین اجزاء، سبب زیبایی شیئی شده و آن را برای هدف مورد نظر آماده می‌کند.^۲

آراستن و آراستگی گاه در امور معنوی و مربوط به روح است که انسان با صفات نیک، روح خود را آراسته و از صفات زشت می‌پیراید و گاه در امور مادی و جسمانی است که انسان، ظاهر خود را به زیبایی‌ها آراسته و زشتی‌ها را از آن می‌زداید. بحث ما در این جا در آرایش و آراستگی ظاهری است.

^۱. لغت نامه دهخدا مدخل آرایش و ستردن.

^۲. گویا در معنای اول نفس عمل مورد نظر است و در معنای دوم به عامل زیبایی توجه شده و در معنای سوم هدف، در نظر بوده است.



اسلام دین پاکیزگی و آراستگی

جمال دوستی و زیبایی طلبی، در نهاد انسان تعبیه شده است و بدین سبب انسان، آراستگی، پاکیزگی، خوش منظری و منظم و مرتب بودن را دوست داشته و بدان تمایل دارد و از ژولیدگی، به هم ریختگی، نامنظم بودن، چرکی و آلودگی متنفر است. به گفته‌ی مرحوم استاد مطهری: «گرایش انسان به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری انسان و احساس لذت از زیبایی و تناسب‌ها و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است»^۳

خالق حکیم متناسب با میل فطری انسان به زیبایی و جمال، اسباب، وسایل و زمینه‌ی پاسخ به این نیاز طبیعی را در تکوین و تشریع فراهم ساخته است.

در بعد تکوین، قرآن شریف گیاهان را به عنوان زینتی که باعث بهجت و شادابی بینندگان می‌شود معرفی کرده و فرموده است: «وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ؛ و از آسمان برایتان آب فرستاد، و بدان بوستان‌هایی خوش‌منظر رویانیدیم»^۴.

هم چنین علاوه بر لباس ساتر، لباس فاخر را زینت انسان قرار داده است و فرموده است: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا؛ ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است»^۵.

واژه‌ی «ریشا» در آیه شریفه به معنای لباس زینت^۶ و بیانگر آن است که خداوند متعال، متناسب با نیاز انسان دو گونه لباس برای وی مهیا کرده است؛ لباس ساتر که خود را بدان بپوشاند و لباس فاخر که خود را بدان بیاراید.

۳. فطرت، مرتضی مطهری، ص ۸۰.

۴ - نمل، ۶۰.

۵ - اعراف، ۲۶.

۶. قوله تعالى: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا» اللباس کل ما يصلح للبس و ستر البدن و غیره، و أصله مصدر يقال: لبس یلبس لبسا- بالكسر و الفتح- و لباسا، و الریش ما فیہ الجمال مأخوذ من ریش الطائر لما فیہ من أنواع الجمال و الزینة، و ربما یطلق علی أثاث البیت و متاعه. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۸



در بعد تشریع، نه تنها انسان‌ها را از آرایش کردن و به‌کارگیری زینت‌ها منع نکرده، بلکه بدان سفارش کرده است و فرموده: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم هرگاه به مسجد می‌روی خود را بیارای و زینت کن».^۷

خطاب «یا بنی آدم» در آیه یاد شده، همه زنان و مردان را شامل می‌شود. مقصود از زینت نیز چنان که بسیاری از مفسران گفته‌اند،^۸ لباس ساتر یا لباس زینت، و پوشیدن یا آراستن هر چیزی است که سبب زینت انسان می‌شود، مثل شانه زدن موی سر و صورت و عطر زدن و انگشتر در دست کردن.

امام رضا - علیه السلام - در تفسیر آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فرمود: «شانه کردن مو در موقع نماز از مصادیق آیه است».^۹ در بعضی روایات آمده که شانه کردن ریش نیز در هر نماز، داخل در اخذ زینت است.^{۱۰} «مسجد» اسم زمان و مکان به معنای وقت عبادت یا مکان عبادت،^{۱۱} یا به معنای عبادت است از باب نامگذاری حال به اسم محل.^{۱۲}

مقصود از مسجد، مکان اجتماع مسلمانان است؛ از این باب که مساجد در صدر اسلام، علاوه بر محل عبادت، مکان اجتماع مسلمانان نیز بوده است.

^۷. سوره اعراف، آیه ۳۱.

^۸. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۳۰۶ - تفسیر اثنا عشری، ج ۴، ص: ۵۰ - تفسیر الصافی، ج ۲، ص: ۱۸۹ - تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص: ۲۲ - روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۱۷۴ - زبدة البیان فی أحكام القرآن، ص: ۷۲ - مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۶۳۷ - مسالک الأفهام إلی آیات الأحكام، ج ۱، ص: ۱۷۵ - أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص: ۱۱ - تفسیر المراغی، ج ۸، ص: ۱۳۳.

^۹. قال: من ذلك التمشط عند كل صلاة - مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۶۳۷.

^{۱۰}. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص: ۲۳.

^{۱۱}. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص: ۳۴۶ - تفسیر روح البیان، ج ۳، ص: ۱۵۲ - الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص: ۹۹ - أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۳۰۶.

^{۱۲}. کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص: ۹۵.



از سوی دیگر قرآن کسانی را که از پیش خود و بدون دلیل استفاده از برخی از زینت‌ها را بر خود حرام کرده بودند مذمت کرده و به پیامبرش فرموده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ»؛ [ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، چه کسی حرام گردانیده است.^{۱۳}

«زینت» عبارت است از: آن چیزهایی که انسان خود را با آن می‌آراید^{۱۴} و زیبا می‌کند. اضافه آن به «الله» تشریفی است و لذا شامل همه زینت‌ها می‌شود. آیه در قالب استفهام انکاری با کسانی که در عمل یا عقیده بدون فرمانبری از شارع و از پیش خود استفاده از زینت‌ها را ممنوع دانسته و خود را از آنها محروم می‌کنند مخالفت کرده است.

معنای آیه این است که، زینت‌هایی که در جهان طبیعت وجود دارد، خداوند برای انسان‌ها آفریده است و کسی به جز خدا حق ممنوع کردن استفاده از آنها را ندارد و خدا هم که ممنوع نکرده است، پس استفاده از زینت‌ها و آرایش کردن به آنها ممنوع نیست. بلکه نه تنها منعی ندارد که به استفاده از زینت و آرایش کردن و آراسته‌بودن سفارش شده است. افزون بر آیات یاد شده از آیاتی که لفظ طهارت در آنها به کار رفته است نیز می‌توان مطلوبیت زینت کردن را استظهار کرد.^{۱۵}

روایات فراوانی نیز بر مطلوبیت آرایش و استفاده از زینت دلالت دارد که برخی از آنها را از نظر می‌گذرانیم:

از امام صادق -علیه السلام- نقل شده است که فرمود: «خدا تمیزی و زینت را دوست دارد، آلودگی و ناپاکی را ناخوش دارد و خدای عز و جل هر گاه نعمتش را بر بنده‌اش ارزانی دارد، دوست می‌دارد که اثر نعمتش را بر آن بنده ببیند». از حضرت پرسیدند چطور اثر نعمت را آشکار کند؟ فرمود:

۱۳. اعراف، ۳۲.

۱۴. «زین: اصل صحیح یدل علی حسن الشیء و تحسینه فالزین نقیض الشین» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة). «زان

الشیء صاحبه زیناً من باب سار و ازانه ازانة: مثله و الاسم الزينة. (فیومی، مصباح المنیر).

۱۵. «وَيَبَاكَ فَطَهَّرْ سُورَةُ مَدَّثَرُ ۴ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره، ۲۲۲) مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن،

ج ۲، ص ۲۹۹.



«لباسش را تمیز کند، خودش را خوشبو کند، خانه‌اش را گچ‌کاری کند، اتاق و خانه را بروبند. (آراستگی و تمیزی بدان حد نیکوست و در زندگی مؤثر است) که روشن کردن چراغ پیش از غروب فقر و تهی دستی را نابود کرده و روزی را زیاد می‌کند».^{۱۶}

عبدالله بن مسعود می‌گوید: «پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- فرمود: کسی که در دلش به اندازه ذره‌ای ایمان باشد، داخل جهنم نمی‌شود و کسی که در دلش به اندازه دانه کوچکی تکبر باشد، داخل بهشت نمی‌شود در این هنگام شخصی از رسول الله -صلی الله علیه و آله و سلم- پرسید، من دوست دارم که همیشه لباسم پاکیزه و مویم روغن مالی شده و بند کفشم نو باشد، آیا این از تکبر است؟ پیامبر -صلی الله علیه و آله- فرمودند: نه این از تجمل و زیبایی است و خدا تجمل را دوست دارد».^{۱۷}

یوسف بن ابراهیم می‌گوید: «نزد امام ششم -علیه السلام- رفتیم. حضرت جبه و روپوش خز^{۱۸} بر تن داشت گفتم: قربانت این لباس از خز است، در باره آن چه می‌گویی؟ فرمود: پوشیدن لباس خز، اشکالی ندارد گفتم، پودش ابریشم است. فرمود: اشکال ندارد، امام حسین -علیه السلام- را که به شهادت رساندند، لباس خز بر تن داشت سپس فرمود: زمانی که امیر المؤمنین -علیه السلام- عبدالله بن عباس را به سوی خوارج فرستاد، بهترین جامه‌اش را پوشید و به بوی خوش، خود را معطر کرد و به بهترین مرکب، سوار شد و نزد آنها رفت، گفتند: ای پسر عباس، تو که فرد شایسته و صالحی هستی چرا در لباس و مرکب جباران نزد ما آمدی؟ این آیه را خواند «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ...» بپوش و خوش بپوش که خدا جمیل است، جمال را دوست دارد و باید از حلال باشد».^{۱۹}



^{۱۶}. الکافی - الشيخ الكليني ج ۶، ص ۴۴۰.

^{۱۷}. مسند احمد - الامام احمد بن حنبل ج ۱ ص ۳۹۹ المعجم الكبير - الطبرانی ج ۱۰ ص ۲۲۲ كنز العمال - المتقى الهندی ج ۳ ص ۸۳۱: الدر المنثور - جلال الدين السيوطی ج ۳ ص ۷۹.

^{۱۸}. خز به تشدید زاء لباسی است که از پشم و ابریشم بافته شده و پوشیدن آن برای مرد حرام نیست زیرا ابریشم خالص برای مرد حرام است.

^{۱۹}. الکافی - الشيخ الكليني ج ۶، ص ۴۴۲؛ مكارم الأخلاق - الشيخ الطبرسی ص ۹۶.

بر اساس گزارشی، پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- با ظاهری آراسته در میان مردم حاضر می‌شد و موی خود را تمیز و مرتب می‌کرد و برای دیدن روی خود، اگر آینه نبود به آب نگاه می‌کرد و می‌فرمود: «خداوند دوست دارد هرگاه بنده‌اش از خانه خارج می‌شود، خود را برای برادرانش بیاراید». ^{۲۰} پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خداوند دوست می‌دارد که چون بنده‌اش به سوی برادرانش بیرون می‌رود، خود را برای آنها آماده و زیبا سازد». حضرت برای حضور و مواجهه با مردم، موی خود را شانه می‌زد و از بوی خوش استفاده می‌کرد. از امام صادق -علیه السلام- روایت شده است: «رسول خدا -صلی الله علیه و آله- بیش از آن مقداری که برای خوراک خرج می‌کرد، برای عطر پول می‌داد» ^{۲۱} و از آن حضرت نقل شده است: «آنچه در راه بوی خوش مصرف شود اسراف نمی‌باشد» ^{۲۲} امام صادق -علیه السلام- فرمود: «دو رکعت نماز با عطر، بهتر است از هفتاد رکعت از کسی که عطر نزده است». ^{۲۳} از حضرت رضا -علیه السلام- روایت است که: «جای حضرت صادق در مسجد از بوی عطر و اثر سجده مشخص می‌شد» ^{۲۴}. بنابراین استفاده از تجملات و زینت کردن و آراستگی، از نگاه قرآن شریف و روایات پیامبر -صلی الله علیه و آله- و ائمه معصومین فی نفسه و صرف نظر از اغراض و اهداف، مقارنات و پیامدها، نه تنها مذموم نبوده بلکه مطلوب و مورد سفارش است. سیره عملی معصومان نیز حکایت از این امر دارد.

پس از آنکه اصل مطلوبیت زینت و آرایش از نگاه اسلام روشن شد به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد. ۱- غرض و هدفی که اسلام برای استفاده از زینت بیان کرده کدام است؟ ۲- اغراض باطل در استفاده از زینت کدام است؟ ۳- آیا زن و مرد در زینت کردن متفاوت‌اند یا نه؟ اگر جواب مثبت است تفاوت در چیست؟

^{۲۰}. مکارم الأخلاق -الشیخ الطبرسی، ص ۳۵؛ بحار الأنوار -العلامة المجلسی ج ۱۶، ص ۲۴۹.

^{۲۱}. کافی، الشیخ الكلینی ج ۶، ص ۵۱۲.

^{۲۲}. مکارم الأخلاق -الشیخ الطبرسی، ص ۴۱.

^{۲۳}. مکارم الأخلاق -الشیخ الطبرسی، ص ۴۲.

^{۲۴}. مکارم الأخلاق -الشیخ الطبرسی، ص ۴۲.



۱. اغراض و انگیزه‌های مطلوب در آرایش و استفاده از زینت‌ها

الف) اظهار نعمت و شکر آن

زینت‌ها و تجملاتی که در اختیار انسان قرار گرفته، از سوی خدا و از نعمت‌های او به بندگان است و وظیفه انسان در برابر منعم‌قردانی و سپاس است. لذا بر انسان لازم است در برابر این نعمت نیز از خدا قدردانی کند. یک نوع قدردانی استفاده بهینه و به جا از نعمت و اظهار نعمت‌های الهی است. ابی‌الاحوص از پدرش نقل می‌کند که: «با لباس نامناسب خدمت پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله و سلم- شرفیاب شدم. حضرت فرمود: آیا مال داری؟ گفتم بلی. گفت: چه داری؟ گفتم: خداوند به من شتر و گوسفند و اسب و بندگان عطا کرده است. حضرت فرمود: پس خدا که این نعمت‌ها را به تو داده، می‌خواهد که آثار آن را در تو مشاهده کند (کنایه از این که باید از مال خود در تعویض لباس و خرید لباس نو و منظم بودن آن استفاده کنی)».^{۲۵} امام صادق -علیه السلام- به یکی از یاران خود می‌گوید: نزد خدا، نمایان کردن نعمت، از نگه داشتن آن محبوب‌تر است، پس مبدا که جز در بهترین شکل مورد پسند قوم خود بیرون بیایی.^{۲۶}

ب) رعایت ادب در حضور خالق

«یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد».^{۲۷} ای فرزندان آدم برای حضور در مسجد خود را بپارائید.

بر اساس یک معنا، آیه شریف، به همه انسان‌ها اعم از زن و مرد امر می‌کند که به هنگام عبادت و حضور در محضر رب العالمین خود را بپارائید. نماز، به پا ایستادن در محضر خدا و سخن گفتن با اوست و شایسته است که انسان برای حضور در مقابل خالق جهان، با ادب کامل و با لباس‌های پاکیزه و نو، با ظاهری آراسته و بوی خوش، حاضر شود نه با لباس چرک و آلوده و قیافه ژولیده و در هم ریخته و نامنظم. خواه نماز را به صورت فردی در مکان خصوصی به جای آورد یا در مکان-

^{۲۵}. مسند احمد - الامام احمد بن حنبل ج ۴، ص ۱۳۷؛ سنن أبی داود - ابن الأشعث السجستانی ج ۲، ص ۲۶۱.

^{۲۶}. الکافی - الشیخ الكلینی ج ۶، ص ۴۴۰.

^{۲۷}. سوره اعراف، آیه ۳۱.



های عمومی و در اجتماعات، مثل نماز جماعت یا نماز جمعه و عید. بنا به برخی از گزارش‌ها امام حسن مجتبی (ع) هر وقت به نماز بر می‌خاست، بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید و می‌فرمود: «خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. من برای خدایم خود را می‌آرایم. او می‌گوید: زینت خود را نزد هر نمازی به تن کنید. دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم».^{۲۸}

محمد بن مسعود عیاشی در تفسیر خود از حضرت صادق -علیه السلام- روایت کرده که مراد از کل مسجد در «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» ائمه -علیهم السلام- هستند. از حضرت صادق -علیه السلام- نیز روایت شده است که فرمود مراد از اخذ زینت نزد هر مسجد، غسل کردن است نزد زیارت و ملازمت هر امامی از ائمه معصومین -سلام الله علیهم اجمعین- چنانچه به واسطه زیارت مرقد مطهر منور ایشان نیز غسل لازم است، بنابراین معنا که در تفسیر آیه از ائمه معصومین رسیده است، مناسب است انسان به هنگام تشریف به محضر امام -علیه السلام- لباس‌های فاخر و جامه‌های پاکیزه به تن کند و خود را به بوی خوش معطر سازد.

ج) ارتباط و الفت مؤمنان

اسلام به اجتماع مؤمنین اهمیت زیادی می‌دهد و دستوراتی برای انس و الفت مؤمنان با یکدیگر دارد که یکی از آنها ظواهر مطلوب و آراستگی و پاکی ظاهری است به ویژه تزئین مؤمنین برای یکدیگر که رغبت آنان را برای معاشرت با هم افزایش می‌دهد.^{۲۹} بنابر این مومنین برای شرکت در اجتماعات باید ظاهری آراسته و نیکو داشته باشند تا دیگران برای مصاحبت و گفتگو با آنها، میل و رغبت داشته باشند، نه این که ظاهری آشفته و ژولیده داشته باشند که کسی به نزدیک شدن به آنها رغبت نداشته باشد، چه رسد به انس و الفت با آنان. جندب می‌گوید: «پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله و سلم- برنامه‌اش این بود که اگر گروهی برای دیدار با او وارد می‌شدند، بهترین لباس خود را می‌پوشید و اصحابش را نیز به این کار امر می‌کرد».^{۳۰} و رسول خدا -صلی الله علیه و آله و سلم- فرمود:

^{۲۸}. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۳۷.

^{۲۹}. مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۹۹.

^{۳۰}. بحار الأنوار - العلامة المجلسی ج ۲۱، ص ۳۷۲.

«خداوند دوست می‌دارد هرگاه مومنی نزد برادرش می‌رود، آماده و آراسته باشد»^{۳۱} و فرمود: هر یک از شما خود را برای برادر مسلمانانش همان گونه بپاراید که برای بیگانه‌ای که دوست دارد وی را در بهترین شکل ببیند، می‌آراید».^{۳۲}

۲) اغراض باطل در استفاده از زینت

الف) تفاخر و تکبر

بهره‌مندی از اموال و ثروت و خرید مرکب‌های گران قیمت و خانه‌های مجلل و تهیه لباس‌های فاخر، گاه سبب خود برتری‌بینی و تفاخر و تکبر می‌شود. لذا گر چه بر اساس اصل کلی که بیان شد استفاده از این امور فی نفسه جایز است؛ اما اگر سبب تجاوز بر دیگران یا تکبر و تفاخر شود، ممنوع خواهد بود. قرآن داستان قارون را به عنوان نمونه‌ای از کسانی که مال و ثروت دنیایی و بهره‌مندی از انواع زینت‌ها و تجملات زندگی سبب تکبر و فزونی طلبی و نهایتاً سبب هلاکت او شد، ذکر کرده و فرموده است:

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (۷۶) وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷) قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (۷۸) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ». قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد، آن گاه که قوم وی بدو گفتند: «شادی مکن که خدا شادی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. (۷۶) و در آنچه خدا به تو داده است سرای واپسین را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن و نیکی -



^{۳۱}. مکارم الأخلاق - الشيخ الطبرسی، ص ۳۴.

^{۳۲}. الکافی - الشيخ الكليني ج ۶، ص ۴۳۹.

بخشش - کن چنان که خدا به تو نیکی کرده، و در زمین تبهکاری مجوی، که خدا تباهکاران را دوست ندارد. (۷۷) گفت: همانا آنچه به من داده شده بنا بر دانشی است که نزد من است. آیا ندانست که خدا پیش از او نسل‌هایی را نابود کرد که نیرویشان از او فزونتر و فراهم آوردنشان [از مال دنیا] از او بیشتر بود؟ و بزهکاران را از گناهانشان نپرسند. (۷۸) (قارون) آراسته به زیورهای خود، به میان مردمش آمد. آنان که خواستار زندگی دنیوی بودند گفتند: ای کاش آنچه به قارون داده شده ما را نیز می‌بود، که او سخت برخوردار است. (قصص، ۷۹)

قارون از قوم بنی اسرائیل و از اقوام حضرت موسی بود. وی مال و ثروت فراوانی جمع کرده بود و همین امر سبب عجب و تکبر و انحراف او از راه حق شد به گونه‌ای که خود را جدای از دیگران و برتر از آنان دانست.

بر اساس بیان قرآن، قارون یک روز با آرایش خاصی درحالی که زینت‌های خود را به همراه داشت، از خانه خارج شد. از جمله «خَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ» و جمله‌ی «فِي زِينَتِهِ» فهمیده می‌شود که این خروج، معمولی و برای انجام کارهای روزمره نبوده است، بلکه برای خودنمایی و فخر فروشی بر دیگران بوده است. گرچه قرآن بنابر اصل رعایت اختصار و موجز گویی جزئیات زینت‌هایی را که قارون همراه داشته بیان نکرده است؛ ولی از جملاتی که مردم درباره او گفتند و آرزویی که با دیدن آن صحنه کردند معلوم می‌شود که قارون همه زینت‌ها و تجملاتی را که در اختیار داشت نظیر انواع لباس‌های قیمتی و جواهرات و خدمتکاران و مرکب‌های مخصوص را به همراه خود آورده بود و با این وضعیت در میان مردم ظاهر شد. دیدن این صحنه سبب شد که افراد ضعیف‌الایمان که همه توجهشان به امور مادی است و چشمان آنها ظواهر را می‌بیند مفتون و شیفته‌ی گنج‌ها و مال و منال قارون شدند و او را فردی سعادتمند و دارای بخت خوب دانستند و در نتیجه آرزو کردند که ای کاش مثل او این همه ثروت و وسایل رفاه و آسایش می‌داشتند.

ذکر این داستان و نقل سرنوشت خفت‌بار قارون و فرو رفتن او در زمین در برابر چشمان مردمی که تا چند لحظه پیش آرزوی مثل او بودن را داشتند، خط بطلانی بر این روش و سیره است و



درسی است برای این که استفاده از زینت‌های الهی نباید برای تکبر و خودپسندی و عاملی برای انحراف اذهان مردم از معنویات و توجه به مادیات شود.

بنابراین کسانی که در جامعه از زینت‌هایی که در اختیار آنان است در طریق تکبر و خودپسندی و فخر فروشی و به نمایش گذاشتن و به رخ دیگران کشیدن انجام می‌گیرند، مشروع نخواهد بود. توجه به این نکته مناسب است که استفاده از تجملات و زینت‌ها به قصد تکبر و فخر فروشی بر دیگران، بیشتر در مردان است. نمونه قرآنی یاد شده نیز شاهدی بر این ادعا است. چنان که استفاده از زینت و خودآرایی برای خودنمایی و تبرج که هم‌اکنون ذکر خواهیم کرد خصیصه زنان است.

ب) خودنمایی و تبرج

«تبرج» به معنای جلوه‌گری و خودنمایی، از ریشه‌ی «برج» و از ویژگی‌های زنان است.^{۳۳} اصل وجود این خصیصه در زنان به خودی خود و به عنوان یک میل طبیعی نه تنها ناپسند نیست، بلکه اگر طبق دستورات شرعی و دینی هدایت شود و در طریق صحیح قرار گیرد مفید؛ بلکه امر لازمی در زندگی خانوادگی بوده و نقش به سزایی در جذب و انجذاب زوجین و استحکام خانواده خواهد داشت. لذا در دستورات اسلامی زن موظف است برای همسرش آرایش کند، بلکه برای او تبرج و خودنمایی داشته باشد.^{۳۴} اما، اگر به این خواسته‌ی زن به حال خود رها شده و در مسیر غیر صحیح و به اهداف و اغراض باطل از آن استفاده شود ناپسند و ممنوع خواهد بود. اگر زن برای جذب جنس مخالف و تصاحب قلب دیگران خودآرایی کند و زینت‌های خود را در معرض دید همگان قرار دهد، مسلماً ناپسند بوده و ارزش منفی خواهد داشت. بدین سبب قرآن زنان را از این گونه تبرج در دو آیه، نهی کرده است. در یک جا خطاب به زنان فرموده است: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ



^{۳۳} . شهید مطهری درباره اختصاص این غریزه به زنان می‌گوید: «اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به

زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. مرتضی مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۶.

^{۳۴} . الکافی - الشیخ الكلینی ج ۵، ص ۳۲۴.

الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^{۳۵}؛ ای زنان (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین.

در آیه دیگر نیز که در ارتباط با پوشش زنان سالمند است می‌فرماید: «غَيْرَ مُتَّبِرَّجَاتٍ بَزِيَّهٍ»^{۳۶}؛ زنان، (در برابر نامحرم) با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند.

گرچه آیه اول در ارتباط با همسران پیامبر است، اما خصوصیت مورد سبب تخصیص حکم به همسران پیامبر نمی‌شود. بنابر این آیه بر عمومیت خود باقی و نهی آن شامل همه زنان می‌شود. نهی از این تبرج بدین است که برای غیر همسران و به اغراض باطل و فاسد است، دلیل آن نیز این است که به تبرج جاهلیت توصیف کرده و فرموده است: «تَبَرُّجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».

زنی که با انواع آرایش و پوشیدن انواع لباسهای تنگ و تحریک آمیز در برابر جوانانی که در اوج شهوت جنسی هستند ظاهر می‌شود سبب می‌شود که جوان با نگاه کردن به او عنان اختیار را از دست بدهد و نتواند در برابر فشار شهوت جنسی مقاومت کند. تحقیقات روانشناسی گواهی می‌دهد که مردان به سرعت در برابر مناظر تحریک‌آمیز دچار طغیان شهوانی و فشار روانی می‌شوند و عنان صبر و مقاومت خویش را از دست می‌دهند و تسلیم تند باد هوس شده، به هر طریقی سعی می‌کنند خود را از انرژی فشرده و قدرتمند شهوت جنسی برهانند.^{۳۷} امام صادق -علیه السلام- می‌فرماید: «در ذلت و خواری انسان، همین بس که لباسی به تن کند یا مرکبی سوار شود که او را مشهور و انگشت‌نما سازد». هم چنین از امام حسین -علیه السلام- روایت شده است که: «هرکس لباسی به تن کند که موجب مشهور شدن و انگشت‌نما شدن او گردد، خدا در قیامت بر او جامه‌ای از آتش می‌پوشاند». بدیهی است که استفاده زنان از لباس‌های تنگ با رنگ‌های روشن و به اصطلاح شاد موجب تبرج زنان



^{۳۵}. احزاب، ۳۳.

^{۳۶}. نور، ۶۰.

^{۳۷}. رک، کاوندی، هاشمی، روانشناسی زن، ص ۸۹.

و انگشت‌نما شدن آنها در محیط جامعه می‌گردد که این امر به شدت و صراحت، مورد نکوهش اسلام قرار گرفته است.

این گونه آرایش کردن سبب ترویج شهوترانی و فحشا و نا امن شدن جامعه و در نتیجه تضییع حقوق سایر افراد جامعه است و لذا از نظر اسلام ممنوع است. پس ممنوع بودن آرایش کردن زن در اجتماعات عمومی نه از جهت آرایش است که اسلام با زینت کردن مخالف نیست، زن و مرد برای حضور در اجتماعات خود باید آراسته و ظاهری پاکیزه و مطلوب داشته باشند تا سبب انس و الفت آنان به یکدیگر شود. لذا چنان که در ابتدای بحث ذکر شد اسلام به آراستگی و پاکیزگی سفارش کرده است. بلی با فساد و فحشا و رفتار و کرداری که عامل رواج فحشا در جامعه شود مخالف است، با زنانی که برای غیر شوهران خود و برای مردان کوچه و بازار خود را می‌آرایند و دوست دارند صدها و هزارها نگاه به آنان شود مخالف است، و این زنان را بدترین زنان معرفی کرده است.^{۳۸} از پیامبر (ص): «هر زنی که بوی خوش به کار برد و از خانه‌اش بیرون رود، مورد لعن خداوند است تا آن که به خانه باز گردد.»^{۳۹}

ب. تفاوت زن و مرد در آرایش

اولین پرسشی که در اینجا مطرح است این است که، آیا اسلام با استفاده زنان از زینت و یا آرایش کردن آنان مخالف است یا نه؟

جواب این است که اسلام با خودآرایی و زینت کردن زنان مخالفتی ندارد؛ بلکه در مواردی آنان را به این امر سفارش کرده است. امام صادق (ع) زنان فرمود: مناسب نیست زن خود را بی‌زیور گذارد، گرچه گردن‌بند بگردن آویزد و خوش نیست که دستش بی خضاب باشد گرچه حنا بر آن

^{۳۸}. الکافی - الشیخ الكلینی ج ۵، ص ۳۲۵.

^{۳۹}. مکارم الأخلاق - الشیخ الطبرسی، ص ۴۳.



بمالد و پاک کند و گرچه سالخورده هم باشد».^{۴۰} هم چنین می‌فرماید: «زن بدون زیور و آرایش نماز نخواند».^{۴۱} امام باقر-علیه‌السلام- نیز در روایتی می‌فرماید: «زنان همواره از زیور استفاده کنند».^{۴۲} هم چنین رسول اکرم-صلی الله علیه و آله- پس از این که به همه زنان، چه شوهردار و چه بدون شوهر، دستور می‌دهد دایم خضاب کنند (و دست و صورت خود را به حنا و رنگ‌های زیبا آرایش کنند) می‌فرماید: «اما زنان شوهردار برای شوهرانشان زینت کنند و اما زنان بدون شوهر، به این دلیل خضاب کنند که دستشان شبیه دست مردان نشود».^{۴۳} پیامبر به مردان فرمود: «ناخن‌های خود را کوتاه کنید» و به زنان فرمود: «ناخن‌ها را کوتاه نکنید؛ زیرا شما را زیباتر می‌کند».^{۴۴}

بنابراین آرایش کردن و استفاده از زینت، جهت آراستگی ظاهری و جواز این عمل و مطلوبیت آن ویژه صنف یا گروه خاصی نیست. البته این سخن بدین معنا نیست که جنسیت در آرایش زن و مرد تاثیری ندارد و آنان از هر جهت در این امر مساوی هستند، بلکه زنان و مردان در عین تساوی در اصل استفاده از آرایش، در برخی از جزئیات آن تفاوت‌هایی دارند که عمدتاً به دو امر بر می‌گردد. نخست در نوع آرایش‌هایی که زن و مرد به کار می‌گیرند و دوم در ارایه و نشان دادن آنها به دیگران که در این قسمت به این دو مطلب اشاره می‌کنیم.

آرایشهای ویژه زن

در مقررات اسلامی، حریر و طلا که بیشتر در جهت تجمل و آرایش از آن استفاده است ویژه بانوان است. لذا فقط خانم‌ها مجازند از لباسهای حریر و زیورآلاتی که از طلا ساخته شده است مثل

^{۴۰}. الکافی - الشيخ الكليني ج ۵، ص ۵۰۹.

^{۴۱}. تهذيب الأحكام - الشيخ الطوسي ج ۲، ص ۳۷۱.

^{۴۲}. الکافی - الشيخ الكليني ج ۶، ص ۴۷۵.

^{۴۳}. مكارم الأخلاق - الشيخ الطبرسي، ص ۸۲: بحار الأنوار - العلامة المجلسي، ج ۷۳، ص ۱۰۲.

^{۴۴}. محمد بن يعقوب كليني، کافی، ج ۶، ص ۴۹۱.



دستبند و النگو و سینه ریز و انگشتر استفاده کنند. پوشیدن این دو شیئی قیمتی برای مردان خواه به قصد زینت باشد یا غیر آن، ممنوع و نماز با آن باطل است. در حدیث مفصلی از امام باقر- علیه السلام- نقل شده است که فرمود: «زن مجاز است انگشتر طلا به دست کند و با آن نماز بخواند، ولی این عمل برای مرد [جز در حال جهاد] حرام است». پیامبر خدا (ص) فرمود: «ای علی! انگشتر طلا به دست مکن که آن زیور تو در بهشت است و لباس حریر مپوش که لباس تو در بهشت است.»^{۴۵}

حضرت امام باقر - علیه السلام- فرمودند: «نبی اکرم -صلی الله علیه و آله- به علی -علیه السلام- فرمودند: من دوست دارم برای تو آنچه را که برای خود دوست دارم و کراهت دارم برای تو از آنچه برای خود کراهت دارم، لذا سفارش می‌کنم انگشتر طلا به دست مکن زیرا زینت ما در آخرت است.»^{۴۶} در روایت دیگری نقل شده است که پیامبر اکرم با اشاره به طلا و حریر فرمود: «این دو چیز بر مردان امت من حرام شده است.»^{۴۷}

اگر از نظر روانی زن به آرایش کردن و پوشیدن لباس فاخر علاقه‌ی بیشتری دارد، شارع اسلام نیز با توجه به خواست طبیعی و نیاز درونی وی، دست او را برای استفاده از زینت بیشتر از مرد باز گذاشته و برخی از چیزهایی را که برای مردان حرام کرده است، برای زنان مجاز قرار داده است.

مخفی کردن آرایش از نامحرم

قرآن به طور صریح زنان را از اظهار زینت برای مردان نامحرم نهی کرده و فرموده است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي

^{۴۵} . الخصال - الشيخ الصدوق ، ص ۵۸۸.

^{۴۶} . عوالی اللئالی - ابن ابی جمهور الأحسائی ج ۱ ، ص ۲۹۶ ؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۹ ، در نسخه وسائل الشیعه به جای «زینت» زینتک دارد.

^{۴۷} . بحار الأنوار - العلامة المجلسی، ج ۱۱، ص ۱۹۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ ...»^{۴۸}؛ وزینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان... .

بنابراین زن گرچه در جواز استفاده از زینت و آرایش با مرد مشترک است، اما از نشان دادن زینت‌های خود به مردان نامحرم ممنوع و در این جهت با مرد متفاوت است. بنابراین زن برای حضور در اجتماعات عمومی که مردان نامحرم حضور دارند، یا نباید آرایش کند و یا باید آرایش‌های خود را از دیگران مخفی کند. به همین دلیل با این که در اسلام عطر زدن و استعمال بوی خوش برای حضور در اجتماعات مؤمنان سفارش شده و بر اساس روایات از اخلاق همه انبیاء الهی بوده^{۴۹} و بر اساس برخی از گزارش‌ها هزینه عطر پیامبر- صلی الله علیه و آله- بیش از سایر هزینه‌ها بوده است؛^{۵۰} اما در مورد زنان این امر به عکس است. زنان نه تنها برای بیرون رفتن از خانه و حضور در مکان‌های عمومی به استعمال بوی خوش سفارش نشده‌اند بلکه شدیداً نهی شده‌اند. از امام صادق- علیه السلام - نقل شده است: «شایسته نیست زن به هنگام خروج از خانه، لباس خویش را به بوی خوش معطر کند».^{۵۱} پیامبر- صلی الله علیه و آله - فرمود: «زنی که به هنگام خروج از خانه بوی خوش استعمال کند و شوهرش بدان راضی باشد، خانه‌ای در آتش برای خود بنا کرده است». یا فرموده است: «زنی که با بوی خوش از خانه بیرون رود تا زمانی که به خانه باز نگشته، از رحمت الهی دور است».^{۵۲} هم چنین پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله - به زنان فرمود: «هرگاه یکی از شما «زنان» به



۴۸. ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

۴۹. مکارم الأخلاق- الشيخ الطبرسی، ص ۴۲.

۵۰. مکارم الأخلاق- الشيخ الطبرسی، ص ۴۳.

۵۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۰۷؛ عن جابر بن یزید الجعفی قال : سمعت أبا جعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام يقول :

ولا يجوز لها أن تتطيب إذا خرجت من بيتها صدوق، خصال، ص ۵۸۵.

۵۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۴۹. صدوق، ثواب الأعمال، ص ۲۵۹.

مسجد رفتید خود را معطر نکنید».^{۵۳} حضرت صادق -علیه السلام- فرمود: هر زنی که برای غیر شوهر خود بوی خوش استعمال کند، خداوند نمازی از او قبول نفرماید تا خود را از آن بوی خوش بشوید؛ همان طور که از برای (رفع) جنابت می‌شوید».^{۵۴} (مقصود این است که طوری خود را شستشو دهد که به کلی آثار عطر برطرف گردد) آن بزرگوار فرمود: «هر زنی که خود را معطر کند و از خانه بیرون رود تا مردم بوی خوش او را استشمام کنند، او در زمره زناکاران است».^{۵۵} امام صادق -علیه السلام- از قول پیامبر -صلی الله علیه و آله- نقل کرده است: «عطر زنانه آن است که رنگ آن آشکار و بوی آن پنهان، و عطر مردانه آن است که بوی آن آشکار و رنگ آن پنهان باشد».^{۵۶}

پوشش

زن موظف است آرایش خود را از نامحرم پنهان کند و به جز برای محارم برای دیگران اظهار نکند.^{۵۷} ممکن است گفته شود چرا مردان از آرایش کردن در مقابل زنان نامحرم ممنوع نشده‌اند؟

^{۵۳} من لایحضره الفقیه - الشيخ الصدوق ج ۳، ص ۴۴۰؛ المجموع - محیی الدین النووی، ج ۴، ص ۱۹۹؛ المحلی -

ابن حزم، ج ۳، ص ۱۳۰.

^{۵۴} الکافی - الشيخ الكلینی، ج ۵، ص ۹۷.

^{۵۵} احمد - الامام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۱۴؛ سنن الدارمی - عبدالله بن بهرام الدارمی، ج ۲، ص؛ سنن أبی داود -

ابن الأشعث السجستانی، ج ۲، ص ۲۸۴؛ سنن الترمذی - الترمذی، ج ۴، ص ۱۹۴؛ سنن النسائی - النسائی، ج ۸، ص

۱۵۳؛ السنن الكبرى - البيهقي، ج ۳، ص ۲۴۶.

^{۵۶} الکافی - الشيخ الكلینی، ج ۶، ص ۵۱۲.

^{۵۷} وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْثَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْوَلَدِ الَّذِينَ لَمْ يَنْظُرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار



پاسخ

اولاً: مسئله خودآرایی و قرار دادن آرایش در معرض دید دیگران، چنان که پیش از این نیز اشاره‌ای بدان داشتیم، بیشتر در میان زنان رایج است. زنان بر اساس غریزه دگرخواهی به آرایه زیبایی خود به دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می‌دهند. تاکید آیات قرآن نیز در نهی زنان از این عمل، نشانه اهمیت این مسأله در زنان است. در مردان چیزی به نام خودآرایی وجود ندارد. آنچه وجود دارد نظافت و پیراستگی است نه آرایش و خودآرایی و لذا مردان از اسباب آرایشی که زنان برای زیبایی چهره به کار می‌گیرند استفاده نمی‌کنند.^{۵۸} مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه فرموده است: «میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه خود اسیر کند، انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است».^{۵۹}

ثانیاً: شارع اسلام مردان را از آرایش کردن به برخی از زینت‌هایی که بین زنان معمول است مثل طلا و لباس حریر ممنوع کرده است.^{۶۰} با توجه به این امر زمینه‌ای برای نهی آنان از اظهار زینت باقی نمی‌ماند. زیرا با وجود نهی از استفاده از این وسایل، نوبت به نهی از اظهار آن نمی‌رسد. ثالثاً: پوشیدن لباس‌های جلف و تنگ و تحریک‌کننده و با مدل‌های زننده در کوچه و خیابان، برای مردان نیز ممنوع است و در این جهت فرقی میان زن و مرد نیست.

نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید. آیه ۳۱.

^{۵۸}. متأسفانه امروزه، برخی از آقایان با برداشتن زیر ابرو خود را شبیه به زنان می‌کنند که این کار نه تنها مطلوب نیست که مورد نهی است که فرمود خدا لعنت کند کسانی که خود را شبیه به زنان می‌کنند.

^{۵۹}. مرتضی مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، صدر، ۱۳۷۹، ص ۴۳۶.

^{۶۰}. کافی، الشیخ الكلینی، ج ۶، ص ۴۵۳.



بنابراین اگر آیات در این مسأله تأکید بیشتری روی زنان داشته، نه از این جهت است که مردان در پوشیدن هر گونه لباس و هر گونه آرایش آزادند و زنان ممنوع؛ بلکه از این باب است که مردان کمتر از زینت برای خود نمایی استفاده می‌کنند. بلی استفاده مردان از زینت و لباس‌های فاخر به شکل دیگری مثل فخر فروشی و تکبر و نخوت است که قبلاً درباره آن بحث شد.

